

### حکم شریعت

<sup>1</sup>ای برادران، آیا نمی‌دانید زیرا که با عارفین شریعت سخن می‌گویم، که مادامی که انسان زنده است، شریعت بر وی حکمرانی دارد؟<sup>2</sup> زیرا زن منکوحه بر حسب شریعت به شوهر زنده بسته است، اما هرگاه شوهرش بمیرد، از شریعت شوهرش آزاد شود.<sup>3</sup> پس مادامی که شوهرش حیات دارد، اگر به مرد دیگر پیوندد، زانیه خوانده می‌شود. لکن هرگاه شوهرش بمیرد، از آن شریعت آزاد است که اگر به شوهری دیگر داده شود، زانیه نباشد.<sup>4</sup> بنابراین، ای برادران من، شما نیز بوساطت جسد مسیح برای شریعت مرده شدید تا خود را به دیگری پیوندید، یعنی با او که از مردگان برخاست، تا بجهت خدا ثمر آوریم.<sup>5</sup> زیرا وقتی که در جسم بودیم، هوسهای گناهایی که از شریعت بود، در اعضای ما عمل می‌کرد تا بجهت موت ثمر آوریم.<sup>6</sup> اما الحال چون برای آن چیزی که در آن بسته بودیم مُردیم، از شریعت آزاد شدیم، به حدّی که در تازگی روح بندگی می‌کنیم نه در کهنگی حرف.

### شریعت و گناه

<sup>7</sup>پس چه گوئیم؟ آیا شریعت گناه است؟ حاشا! بلکه گناه را جز به شریعت ندانستیم. زیرا که شهوت را نمی‌دانستیم، اگر شریعت نمی‌گفت که: طمع موزر.<sup>8</sup> لکن گناه از حکم فرصت جسته، هر قسم طمع را در من پدید آورد، زیرا بدون شریعت گناه مرده است.<sup>9</sup> و من از قبل بدون شریعت زنده می‌بودم؛ لکن چون حکم آمد، گناه زنده گشت و من مردم.<sup>10</sup> و آن حکمی که برای حیات بود، همان مرا باعث موت گردید.<sup>11</sup> زیرا گناه از حکم فرصت یافته، مرا فریب داد و به آن مرا گُشت.<sup>12</sup> خلاصه شریعت مقدّس است و حکم مقدّس و عادل و نیکو.<sup>13</sup> پس آیا نیکویی برای من موت گردید؟ حاشا! بلکه گناه، تا گناه بودنش ظاهر شود، به وسیله نیکویی برای من باعث مرگ شد تا آنکه گناه به سبب حکم بغایت خبیث شود.

<sup>14</sup>زیرا می‌دانیم که شریعت روحانی است، لکن من جسمانی و زیر گناه فروخته شده هستم،<sup>15</sup> که آنچه می‌کنم نمی‌دانم زیرا آنچه می‌خواهم نمی‌کنم بلکه کاری را که از آن نفرت دارم بجا می‌آورم.<sup>16</sup> پس هرگاه کاری را که نمی‌خواهم بجا می‌آورم، شریعت را تصدیق می‌کنم که نیکوست.<sup>17</sup> و الحال من دیگر فاعل

<sup>1</sup>Know ye not, brethren, (for I speak to them that know the law,) how that the law hath dominion over a man as long as he liveth?<sup>2</sup>For the woman which hath an husband is bound by the law to her husband so long as he liveth; but if the husband be dead, she is loosed from the law of her husband.<sup>3</sup>So then if, while her husband liveth, she be married to another man, she shall be called an adulteress: but if her husband be dead, she is free from that law; so that she is no adulteress, though she be married to another man.<sup>4</sup>Wherefore, my brethren, ye also are become dead to the law by the body of Christ; that ye should be married to another, even to him who is raised from the dead, that we should bring forth fruit unto God.<sup>5</sup>For when we were in the flesh, the motions of sins, which were by the law, did work in our members to bring forth fruit unto death.<sup>6</sup>But now we are delivered from the law, that being dead wherein we were held; that we should serve in newness of spirit, and not in the oldness of the letter.<sup>7</sup>What shall we say then? Is the law sin? God forbid. Nay, I had not known sin, but by the law: for I had not known lust, except the law had said, Thou shalt not covet.<sup>8</sup>But sin, taking occasion by the commandment, wrought in me all manner of concupiscence. For without the law sin was dead.<sup>9</sup>For I was alive without the law once: but when the commandment came, sin revived, and I died.<sup>10</sup>And the commandment, which was ordained to life, I found to be unto death.<sup>11</sup>For sin, taking occasion by the commandment, deceived me, and by it slew me.<sup>12</sup>Wherefore the law

آن نیستم بلکه آن گناهی که در من ساکن است.<sup>18</sup> زیرا می‌دانم که در من، یعنی در جسد من هیچ نیکویی ساکن نیست، زیرا که اراده در من حاضر است اما صورت نیکو کردن نی.<sup>19</sup> زیرا آن نیکویی را که می‌خواهم نمی‌کنم، بلکه بدی را که نمی‌خواهم می‌کنم.<sup>20</sup> پس چون آنچه را نمی‌خواهم می‌کنم، من دیگر فاعل آن نیستم بلکه گناه که در من ساکن است.<sup>21</sup> لهذا این شریعت را می‌یابم که وقتی که می‌خواهم نیکویی کنم بدی نزد من حاضر است.<sup>22</sup> زیرا برحسب انسانیت باطنی به شریعت خدا خشنودم.<sup>23</sup> لکن شریعتی دیگر در اعضای خود می‌بینم که با شریعت ذهن من منازعه می‌کند و مرا اسیر می‌سازد به آن شریعت گناه که در اعضای من است.<sup>24</sup> وای بر من که مرد شقیای هستم! کیست که مرا از جسم این موت رهایی بخشد؟<sup>25</sup> خدا را شکر می‌کنم بواسطت خداوند ما عیسی مسیح. خلاصه اینکه من به ذهن خود شریعت خدا را بندگی می‌کنم و اما به جسم خود شریعت گناه را.

is holy, and the commandment holy, and just, and good.<sup>13</sup> Was then that which is good made death unto me? God forbid. But sin, that it might appear sin, working death in me by that which is good; that sin by the commandment might become exceeding sinful.<sup>14</sup> For we know that the law is spiritual: but I am carnal, sold under sin.<sup>15</sup> For that which I do I allow not: for what I would, that do I not; but what I hate, that do I.<sup>16</sup> If then I do that which I would not, I consent unto the law that it is good.<sup>17</sup> Now then it is no more I that do it, but sin that dwelleth in me.<sup>18</sup> For I know that in me (that is, in my flesh,) dwelleth no good thing: for to will is present with me; but how to perform that which is good I find not.<sup>19</sup> For the good that I would I do not: but the evil which I would not, that I do.<sup>20</sup> Now if I do that I would not, it is no more I that do it, but sin that dwelleth in me.<sup>21</sup> I find then a law, that, when I would do good, evil is present with me.<sup>22</sup> For I delight in the law of God after the inward man:<sup>23</sup> But I see another law in my members, warring against the law of my mind, and bringing me into captivity to the law of sin which is in my members.<sup>24</sup> O wretched man that I am! who shall deliver me from the body of this death?<sup>25</sup> I thank God through Jesus Christ our Lord. So then with the mind I myself serve the law of God; but with the flesh the law of sin.